



۲۰۱۳/۰۸/۰۹

عبدالحكيم سامع

## بستر ولادت و پرورش طالب افغان و مطبوعات جهان! (قسمت هفتم)

«ولادت و پرورش طالب» امروز، بعد از سال های «نود» قرن بیست، درین مطلب مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر هرگاه مطالعه آن به سه «مرحله» انجام یابد، ممکن است تصویر دقیقتر از وقایع کشور و منطقه بدست آید. یعنی وقفه هایی چون «نومبر ۱۹۹۴م تا سپتمبر ۱۹۹۶م»، «سپتمبر ۱۹۹۶م تا اواخر ۲۰۰۱م» و متعاقباً «دوباره پدیدار» شدن طالب در صحنه «جنگ» با شرایط دیگر، یعنی بعد از براندازی آن از قدرت، در ساحة قریب ۹۰ فیصد خاک کشور و دوباره «ظهور» آن. بروز این تشکل، در آغاز در حقیقت امر محصول مناسبات داخلی، یعنی ادامه «جنگ داخلی» تنظیم های «جهادی» و «جنگ سالاران»، در پیوند با علاقمندی های کشور های خارجی، یا «مناسبات بین المللی» و «منطقوی» شناخته می شود.

بعبارت دیگر، می توان گفت که در حقیقت امر مواد «خام» یا عناصر «ترکیبی» در تشکل هر نوع «واحد جنگی»، خاصاً در طول سالهای «جنگ» با «قوای شوروی» و متعاقباً در جریان «جنگ داخلی» تهیه می نموده است. اما آنطوریکه، مسیر کلی انکشافات همین مقاطع زمانی نشان می دهد، تسلط بیشتر «حلقات مختلف بنیادگرای اسلامی» بر انکشافات حوادث کشور، شناخته می شود. اما از جانب دیگر، اوضاع نا بسامان کشور و وضعیت بغرنج منطقه، نیازمند تحلیل عمیقتر و وسیعتر می باشد، زیرا در جمله حوادث کشور، تنها «طالب» مطرح نبوده، باوجود آنکه دربخش «نظامی» و «تخریبی»، «فعالتر» مشاهده می رسد.

دید ناقص بر روند حوادث بغرنج کشور، بخصوص در جریان «حوادث» بعدی، یعنی بعد از خروج قوای «شوروی» زمانیکه قدرت های «بزرگ» وقت تا «حدی» افغانها را به ظاهر، بحال خود گذاشتند، اتباع آنرا به درک مسائل اساسی جامعه آنها ضرر بیشتر خواهد رسانید. موجودیت اسلحه کافی در نزد هر یک ازین گروپ ها، کشور ویران، طوریکه یکی از گزارشگران خارجی می گوید، برای خارجی ها، «خروج قوای شوروی» ختم «جنگ» در افغانستان بوده است، که قریب همه به کشور های آنها برگشته اند، اما برای افغانها، «آغاز جنگ دیگری» بوده است، چنانچه بجای «جهاد» برای خروج قوای خارجی از خاک مشترک، «کسب قدرت» برای خود وگروپ هریک، بحیث اهدف روز مطرح گردید.



«جنگ بر سر قدرت» بین تنظیم ها، تداوم «جنگ داخلی»، و کشانیدن کشور بسرحد نابودی را ممکن ساخت. درین روز ها، جای اهداف سابق «آیدیالوژیک» را، که عمدتاً محصول شرایط «جنگ سرد» در صحنه بین المللی بوده است، تمایلات و «اختلافات ایتنی و مذهبی» و غیره تفاوت ها، گرفته است.

عده زیادی از «داو طلبان خارجی اسلامی»، در قدم اول «اتباع کشورهای عربی»، که گروپ نسبتاً «بزرگ» را با توانمندی های پولی و امکانات بیشتر «تحرك» در «جهان» شناخته می شدند، دوباره بکشور های خود برگشتند.

د پانو شمیره: له 1 تر5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

قسمتی از آنها، که اکثراً در کشور های اصلی خود، بنابر «جرایم» «دوسیه دار» بوده اند، در صفوف تنظیم های جهادی عمدتاً در تنظیم «سیاف» و «گلبدین حکمتیار»، جای داشته، از پاکستان به افغانستان نقل مکان نموده اند. البته قابل تذکر است، که کسانی هم وجود داشته اند، که در نتیجه ازدواج همین منطقه را، محل زیست خود ها انتخاب نموده بودند.

درین مرحله مناسبت های سیاسی دیگری هم، بین جوانب درگیر جنگ بوجود آمد. یعنی درین مناسبات، بعضاً «دشمن دیروز، موفق دوست امروز» را هم بخود گرفته بود. حلقات معین که ممکن در سالهای دهه شصت تا نیمه اول دهه هفتاد قرن بیست، یکدیگر را از محافل مناقشه و مباحثات در سالهای «دهه دیموکراسی» می شناختند، اما در قریب ۱۳ سال، علیه همدیگر اسلحه گرم استعمال می نموده اند، برای «تقسیم نعم» و قدرت، تغییر جبهه داده، به توطئه های کودتائی متصل شده اند.

در همین عکس قبلی، که تاریخ چاپ یا تهیه دقیق آن معلوم نیست، در پهلو «چپ» مسعود، شخص بدون «کلاه»،



یکی از اعضای رهبری «حزب وطن» نیست؟، که در نتیجه «کودتای» ۱۹۹۲م، در مجموع سائر «رهبران» و «جنرالان»، اعضای آن حزب، مسعود و متحدان او را بقدرت رسانیدند و «حزب خود را» تار و مار نمودند.

به عکس سمت چپ در روز های اول حوادث سال ۱۹۹۲م توجه نمایند: «احمد شاه مسعود و «داکتر» عبدالرحمن»، در رأس میز، «جنرالان اردوی رژیم چپ در مقابل، یکدیگر، سمت راست، «جنرال چندین ستاره، با لباس ملکی، نورالحق علموی»، در مقابل «جنرال» همقطار او «محمد نبی عظیمی» و در سمت دست «چپ عظیمی»، «جنرال ... دلاور ...» مشغول مطالعه نقشه «جنگی» بر شهر و اطراف کابل اند.

آنچه قابل تذکر است، اینست که در جمله، طوریکه آگاهان «حکایت» نموده اند، «جنرال عظیمی»، افسری بوده است که در سقوط رژیم سلطنتی و بقدرت رسانیدن «سردار محمد داوود خان»، سقوط رژیم جمهوری و احتمالاً آگاه از جریان «قتل رئیس جمهور و قتل جمعی خانواده و نزدیکان» آن شهید، سهم در جریان بقدرت رسانیدن «جناح پرچم» و همچنان سهم در سقوط، رژیم «چپ» در سال ۱۹۹۲م، بشمول جنرال عبدالرشید «دوستم» و غیره محسوب می گردد. برای معلومات بیشتر می توانید، از «لینک» در مورد، استفاده نمایید.

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha\\_PDF/same\\_ah\\_bazham\\_darbarae\\_jangsalaran\\_p1.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha_PDF/same_ah_bazham_darbarae_jangsalaran_p1.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha\\_PDF/same\\_ah\\_bazham\\_darbarae\\_jangsalaran\\_p2.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha_PDF/same_ah_bazham_darbarae_jangsalaran_p2.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha\\_PDF/same\\_ah\\_bazham\\_darbarae\\_jangsalaran\\_p3.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha_PDF/same_ah_bazham_darbarae_jangsalaran_p3.pdf)

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مطالب فوق تحت عنوان: «سخنی چند در باره «جنگ سالاران»! در سه قسمت در ماه جنوری ۲۰۱۳م در پورتال افغان جرمن «آنلاین» نشر شده است. نباید فراموش کرد، که انکشافات قبل از سال ۱۹۹۴م، هم بر اقدامات بعدی، «بازیگران» اصلی، سیاست در منطقه و در افغانستان، بی اثر نبوده است.

عکس صفحه قبلی از فلم «نیشنل جیوگرافی» استخراج شده است، خود با استفاده از «لینک»، که در ختم این سلسله خدمت خوانندگان محترم گذاشته خواهد شد، مشاهده خواهند توانست. دیری نگذشته بود که با وقوع حوادث متعدد «تروریستی» افراد «مسعود» در شهر نو کابل و میدان هوایی پایتخت، همین گروپ بر «مسعود» حکم «خائن ملی» را صادر نموده، «تابعیت» او را از وی گرفتند. این هم یک مثال کوچکی است که از واقعیت «دشمن دیروز و دوست امروز»، شهادت می دهد. البته تنها این فرد نه، بلکه مجموعه کثیر دیگر نیز از سالها به اینطرف برای مردم افغانستان معرفی می باشند. در مورد مناسبات سائر افراد با «ربانی» و «مسعود» و منجمله «روابط و قفه یی» «عبدالرشید دوستم»، با «گلبدین حکمتیار»، و تغییر جبهات جنگ بین تعداد کثیر دیگر، نمونه هایی اند، که پیچیدگی اوضاع کشور ما را، در سازمان ها و سمتگیری های «سیاسی» نشان می دهد.

درین «فلم»، بر روی عکس فوق جمله نشر شده بزبان انگلیسی ممکن بعد از «کشته شدن مسعود» نوشته شده باشد. از گوینده روی عکس نام برده نشده است. ترجمه این جمله: «و من احساس میکنم که ما یک رهبر حقیقی افغانستان را از دست داده ایم.»

در حالیکه، در زمان «مقاومت» علیه قوای «شوروی»، طوریکه بارها تذکر رفته است، صرفنظر از «اختلافات» در «اهداف» سیاسی، تعداد بی شمار «تشکل های جنگی» و «سازمان های» خورد و بزرگ سیاسی، که رهبری آنها در خارج بسر می برده اند، با تناسب مختلف، هر یک افراد «جنگی» خود را داشته اند، باز هم فشار مشترکی را بکمک بین المللی، بر قوای «شوروی» وارد می آوردند. دوام «جنگ داخلی»، بصورت واضح در بین «مجاهدین» در جریان جنگ با قوای «شوروی»، که در مرحله بعد از خروج قوا و خاصاً بعد از «سقوط» رژیم «چپ»، به خانه های خود برگشته بودند، انواع «نا رضایتی» را هم نسبت به بعضی از «رهبران» جاه طلب و سود جو و معاملگر نیز رشد می نموده است. «جهاد» ایرا که خود آغاز نموده بودند، ممکن برای تعداد بی شماری از آنها، نتایجی را که خود تصور نموده و انتظار داشته اند، ببار نیآورد. باشندگان کابل شهادت می دهند، وقتی هواداران «جهادی ها» تشویش از ویرانی وطن حرف بزبان می آوردند، فوراً «هواداران تنظیم ها»، ادعا می نمودند، که دوستان «غربی» وطن را بسرعت «آباد» خواهند نمود. ولی وقتی «شوروی ها» رفتند، به نسبت ادامه جنگ داخلی، هیچ علایم و فرصت اعمار و دریافت راه زندگی بمشاهده نمی رسید، روز های از «بد بد تر» نصیب مردم می گردید. در دهات اکثراً جای کشت و زراعت قدیمی را، کشت «ککنار» اشغال نموده بود. پرابلم های عظیم اجتماعی و صحتی ازین ناحیه نیز، جامعه را بسوی نابودی سوق می داد.

بخصوص برای کسانی که «جهاد» برای آنها، خاتمه یافته تلقی می گردید و دوباره بمحلات زیست قسماً ویران خود رفتند و با پرابلم های بی شمار جدید، تنها دست و پای می زدند، حالتی بوده است، که بدون «شک» خشم بیشتری را هم باعث می گردیده است.



بناءً به نسبت، نبود شرایط لازم زندگی، ویرانی یاد شده کشور، بی امنیتی و غیره، چه در داخل و چه در خارج انسان ها را بخود مصروف می ساخت. خارج از احتمال نیست که دستگاه های اطلاعاتی خارجی هم ازین حالت، در جهت اهداف آنها استفاده نموده باشند. در اطراف و اکناف مملکت «فضای» یک «حرکت جدید» را «مساعد» می ساخت. بر اساس گزارشات مطبوعاتی، ابتکار عمل را، استخبارات و اردوی «پاکستان»، که از یکطرف توسط گلبدین «حکمتیار» و سائر بقایای «تنظیم های جهادی» «آتش جنگ داخلی» را شعلور نگهداشته

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

بود، بحمايت «آيديالوژيک» سازمان های افراطي «سنی» و «مدرسين» مدارس دينی، در پاکستان و مناطق «قبایلی» در سرحدات بين افغانستان و پاکستان، که در قسمت های قبلی در باره تأسیس آنها، تماس گرفته شده است، در تحت نام، یکی از «ملا ها»، بنام «ملا محمد عمر» در ولایت قندهار براه انداختند.



نام او را «ملا محمد عمر»، یکی از «قوماندانان»، «حرکت انقلاب اسلامی» تحت رهبری «مولوی محمد نبی محمدی» دانستند.

«نیشنل جیوگرافی»، در گزارش «فلمی» خود که به آن عنوان وقایع و اخبار از داخل «جنبش طالبان»، نام می دهد، نخست تصاویری از جنگ های مقدماتی در قندهار و ساحت جنوب و «غرب» افغانستان، نشان می دهد و بطور تدریجی از پیشرفت سریع از سمت جنوب و شرق، بسمت کابل و مناطق مرکزی نیز حرف می زند. از آدرس «ملا محمد عمر» می نویسد، که گویا او دسته های متعدد، «مجاهدین» خود را چنین معرفی نموده است. آغاز «فلم» را با فیر راکت و «نعره» الله اکبر، می بنیم.



در باره «ملا محمد عمر»، در نخستین روز ها، در نشرات خارجی، گزارش می یافت که در باره این ملا، معلومات کافی وجود ندارد، از جانب دیگر «عکاسی» را ممنوع اعلان داشته، خود هم درانظارعام ظاهر نمی شد. تامدت طولانی، در مطبوعات تنها، عکس فوق بچشم می خورد. در نخستین لحظات «اشغال قند هار»، این عکس «سیاه و سفد» منتشر گردیده است.



اخبار جالب و گزارشات تصویری را «نیشنل جیوگرافی» در باره اولین لحظات بروز «جنبش» طالبان، با سلاح های «مودرن» دست داشته، و توسعه وسیع قدرت آنها درین به اصطلاح گزارش از داخل «جنبش طالبان»، منتشر می گردد. جنگی های ملا محمد عمر را طوریکه قبلاً نیز تذکار یافته است، بنام «جهادی» های «طالب» یاد نموده، گزارش را با نشان دادن تصاویر ذیل آغاز می کند. بقول از چشمدید های کسانیکه ازین جنگ زنده مانده اند، می نویسد که این «رژیم رسوا»، با این قوا که در سالهای جنگ با قوای شوروی، تشکیل گردیده بود، وارد صحنه سیاسی گردیده است.



وقایع بعدی و افشای مطالب، آهسته آهسته این همه «راز ها» را بمثابة «راز های آشکارا» مبدل می سازد. حال روشن می گردد، که چرا تصاویر ملا عمر، منتشر نمی شده است. علاوه ازینکه، «بهانه» مذهبی را پیشکش می نمایند، این شخص فقط در جریان «جنگ»، بسطح «قومندان»، در گروپ، «محمد نبی» محمدی،

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په څير و لولئ

قدم گذاشته، بعداً ممکن خود با «اساسات اسلام» آشنا ساخته و بعد از خروج «قوای شوروی»، بحیث «ملا امام» در مربوطات قندهار به زندگی عادی برگشته است.



در باره از دست دادن «چشم راست» او، افسانه را، «رحیم الله وسفزی» درین فلم حکایت نموده است، که بعداً در جایش اگر لازم افتاد، تذکر داده خواهد شد. همین گزارشگر، تذکر می دهد، که «ملا عمر» خود را تابع، «جنبش طالبان» نمی دانسته، بلکه خود را «فرستاده خدا» و «مجاهد» بالاتر از همه، می داند. صحبت روی مسائل «سیاسی» را به «افراد مورد اعتماد» خود سپرده است. حال روشن می گردد، که تا مدت زیاد اصلاً در باره این «جنبش» معلومات «منظم وجود نداشته» است، اما بتدریج، افراد مختلف، با دلچسپی های مختلف، بدور آنها، جمع گردیده و جذب می شوند. البته در جایش تفصیل بیشتر داده است.

ادامه دارد ...

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ